

سورة انبياء

مکی ۱۱۲ آیه

به نام خدا که رحمتش بی اندازه است و مهربانی اش همیشگی

حسابرسی مردم نزدیک شده، درحالی که با دچاربودن به غفلتی [شدید]، [از دلایل اثبات کننده قیامت] رویگردانند (۱) هیچ پیام و آیه جدیدی از سوی پروردگارشان برای آنان نمی آید جز آن که آن را در حالی که بازیگری دارند شنیدند (۲) دل هایشان مشغول [امور واهی] است، ستمکاران گفته های محرمانه خود را [از دیگران] پنهان داشتند [و گفتند: آیا این [شخص] جز بشری مانند شماست، آیا با چشم باز و آگاهی به سوی سحر می روید؟ (۳) پیامبر به آنان] گفت: پروردگرم هر سخنی را [هر که] در آسمان و زمین می داند، منحصرأ او شنوا و دانا [ی مطلق] است (۴) گفتند: [قرآن] خیالاتی واهی است، [نه] بلکه آن را به دروغ [به خدا] نسبت داده، [نه] بلکه او شاعری [بی ربطگو] است، [اگر فرستاده خداست] باید برای ما معجزه ای بیاورد چنانکه پیامبران پیشین [با معجزه] فرستاده شدند! (۵) پیش از اینان [مردم] هر شهری را که نابود کردیم [به سبب این بود] ایمان نیاوردند، پس آیا اینان [که در کفر چون گذشتگانند] ایمان می آورند؟ (۶) پیش از تو [برای هدایت مردم] جز مردانی که به آنان وحی می کردیم نفرستادیم، اگر نمی دانید از آگاهان [به کتاب های آسمانی] پرسید، [که همه آنان از جنس بشر بودند] (۷) برای آنان بدن هایی که غذا نخورند نساختیم، و جاودانه هم نبودند [که از دنیا نروند] (۸) سپس به وعده ای که به آنان [در هر امری] داده بودیم وفا کردیم، و پیامبران و هرکه را می خواستیم نجات دادیم، و متجاوزان را هلاک کردیم (۹) به راستی کتابی به سوی شما فرستادیم که مایه شرف و رشد شما در آن است، آیا اندیشه نمی کنید؟ (۱۰)

چه بسیار شهرهایی که [مردمش] ستمکار بودند، و ما آنان را درهم شکستیم، و بعد از آنان قومی دیگر پدید آوردیم (۱۱) چون صدمه و آسیب‌رسانی ما را احساس می‌کردند ناگهان از آن [شهر] می‌گریختند (۱۲) فرار نکنید، و به‌سوی زندگی مرفهی که [مغروانه] در آن بودید، و نیز به خانه‌هایتان برگردید تا شاید [از طرف نیازمندان] از شما درخواست کمک شود، (۱۳) [با دیدن عذاب] گفتند: وای بر ما که مسلماً ستمکار بودیم! (۱۴) همواره گفتارشان همین بود، تا آنان را درو کرده، خاموش ساختیم (۱۵) ما آسمان و زمین و آنچه را بین آن‌هاست از روی بازیگری [و سرگرمی] نیافریدیم (۱۶) اگر می‌خواستیم [بازیگری و] سرگرمی کنیم، چنانچه کننده [این کار] بودیم، آن را از نزد ذات خود [برابر با شأنمان] انتخاب می‌کردیم (۱۷) [بازیگری در شأن ما نیست،] بلکه به‌وسیله حق بر باطل می‌کوبیم تا آن را درهم شکنند، و بی‌درنگ [باطل] نابود شود، سختی و عذاب بر شما باد! به کیفر آنچه [از اوصاف باطل] که [خداوند را] به آن وصف می‌کنید (۱۸) هرکه در آسمان‌ها و زمین است فقط در سیطره مالکیت و فرمانروایی اوست، و کسانی [چون فرشتگان] که در پیشگاه اویند از بندگی‌اش تکبر نمی‌کنند، و خسته و درمانده نمی‌شوند (۱۹) شبانه‌روز بی‌آن‌که سست شوند او را به پاکی [از هر عیب و نقصی] می‌ستایند (۲۰) آیا معبودانی از [جنس عناصر] زمین انتخاب کرده‌اند که [می‌توانند مردگان را] زنده کنند؟! (۲۱) اگر در آسمان و زمین جز خداوند، معبودانی وجود داشت بی‌شک هر دو تباه می‌شدند، پس منزه است خداوند صاحب‌عرش از اوصاف باطلی که [او را به آن] وصف می‌کنند (۲۲) [خداوند] از آنچه انجام می‌دهد بازخواست نمی‌شود، این یاوه‌گویانند که بازخواست خواهند شد (۲۳) آیا به غیر خدا معبودانی انتخاب کرده‌اند؟! بگو: دلیل خود را [بر درست بودن این انتخاب] بیاورید، این پیام [قرآن] برای امت من، و پیام [کتاب‌های آسمانی برای] امت‌های پیش از من است، بلکه بیشترشان حق را نمی‌شناسند، به این سبب [از آن] رویگردانند (۲۴)

پیش از تو هیچ پیامبری را نفرستادیم مگر آن که به او وحی کردیم که: معبودی جز من نیست، پس فقط مرا پرستید (۲۵) و [مشرکان] گفتند: خداوند رحمان [فرشتگان را] به فرزندی خود انتخاب کرده است. او [از گرفتن فرزندی بی‌نیاز و منزّه است، بلکه بندگانی ارجمندند (۲۶) در سخن بر او پیشی نمی‌گیرند، و فقط به فرمان او عمل می‌کنند (۲۷) خداوند] همه گذشته و آینده آنان را می‌داند، و جز برای کسی که [خدا] رضایت دهد شفاعت نمی‌کنند، و به خاطر ترس از [عظمت و جلال] او هراسناکند (۲۸) از آنان هرکس بگوید: من هم معبودی غیر اویم، دوزخ را به او کیفر می‌دهیم، و ستمکاران [به توحید] را این‌گونه مجازات می‌کنیم (۲۹) آیا کافران ندانسته‌اند که آسمان‌ها و زمین [در ابتدای کار] به هم پیوسته بودند، و ما آن دو را شکافته، و از هم باز کردیم، و هرچیز زنده‌ای را از آب پدید آوردیم، آیا [به یگانگی خداوند] ایمان نمی‌آورند؟ (۳۰) در زمین کوه‌های استوار قرار دادیم تا آنان را نلرزاند، و در آن راه‌های فراخ پدید آوردیم [تا به سوی مقاصدی که دارند] راه‌یابند (۳۱) آسمان را سقفی محفوظ [از سقوط] آفریدیم، درحالی‌که آنان از دقت در نشانه‌های آن [که گواه بر توحید و قدرت و ربوبیت خداست] رویگردانند (۳۲) و اوست که شب و روز و خورشید و ماه را آفرید که هر یک در مداری شناورند (۳۳) پیش از تو برای هیچ بشری جاودانگی قرار ندادیم، آیا اگر تو [با این عظمت و عزت] بمیری، آنان جاویدان خواهند بود؟! (۳۴) هر جاوداری چشمنده [طعم] مرگ است، و ما شما را به زیان و سود آزمایش می‌کنیم، و به سوی ما بازتان می‌گردانند (۳۵)

کافران چون تو را ببینند جز به مسخره‌ات نمی‌گیرند، [می‌گویند: آیا این است کسی که از معبودان شما] به عنوان موجوداتی بی‌اثر] یاد می‌کند؟ درحالی‌که خود منکر ذکر خداوند رحمان هستید، [برای آنان سخن از بُت‌ها شگفت‌آور است، ولی انکار خدا تعجب ندارد!] (۳۶) انسان از شتاب آفریده شده [که با غرور، عذابم را شتابانه می‌خواهد،] بی‌گمان عذاب‌هایم را به شما نشان خواهیم داد، پس [آن را] شتابان از من نخواهید (۳۷) [به رسول من و یارانش] می‌گویند: اگر راستگو هستید این وعده [عذاب و قیامت] کی خواهد بود؟ (۳۸) اگر کافران آگاهی به آن وقتی داشتند که قدرت ندارند آتش را از چهره‌ها و پشتشان بازدارند و یاری هم نمی‌شوند، [شتابانه عذاب را نمی‌خواستند] (۳۹) بلکه ناگهان گریبانشان را می‌گیرند، و [آن‌گونه به شدت] مبهوتشان می‌کند که نه می‌توانند آن را بازگردانند، و نه مهلت می‌یابند (۴۰) همانا پیش از تو پیامبرانی مورد استهزا قرار گرفتند، نهایتاً عذابی که همواره مسخره می‌کردند، مسخره‌کنندگانشان را فراگرفت (۴۱) بگو: چه کسی شما را در شب و روز از [عذاب] خداوند رحمان حفظ می‌کند؟ بلکه [بر اثر کفرشان] از یاد پروردگارشان رویگردانند (۴۲) آیا به غیر ما معبودانی دارند که آنان را از [عذاب] ما حفظ کنند؟ [معبودانشان] نه می‌توانند خود را یاری دهند، و نه از سوی ما مورد حمایت قرار می‌گیرند (۴۳) بلکه اینان و پدرانیشان را [از نعمت‌ها] بهره‌مند ساختیم تا جایی که عمرشان طولانی شد، [پس دچار غرور و غفلت شدند،] آیا ندانسته‌اند که ما همواره به زمین می‌پردازیم، و از نواحی آن [ملت‌ها و تمدن‌ها] می‌کاهیم، [و این سنت بر اینان هم جاری خواهد شد،] آیا [باز هم] پیروزی با آنان است؟! (۴۴)

بگو: من فقط شما را به وسیله وحی هشدار می‌دهم، ولی کران، [بانگ] دعوت را هنگامی که هشدارشان دهند نمی‌شنوند (۴۵) اگر [سهم] اندکی از عذاب پروردگارت به آنان برسد مسلماً خواهند گفت: وای بر ما که بی‌تردید ستمکار بودیم! (۴۶) روز قیامت ترازوهای عدالت را نصب می‌کنیم، پس به هیچ‌کس کمترین ستمی نخواهد شد، اگر [عمل انسان] هموزن دانه خردلی باشد آن را [به عرصه قیامت] می‌آوریم، و بس است که ما حسابگر باشیم (۴۷) مسلماً به موسی و هارون [وسیله] جداکننده [حق از باطل]، و نور، و مایه تذکر برای پرهیزگاران عطا کردیم (۴۸) هم آنان که در پنهان از پروردگارشان می‌ترسند، و از قیامت در هراسند (۴۹) این [قرآنی] که نازل کرده‌ایم یادآور حقایق و خجسته و پُر خیر است، آیا باز هم شما [کافران] منکر آن هستید؟! (۵۰) همانا پیش از این به ابراهیم رشد که سزاوارش بود عطا کردیم، و ما به [شایستگی] او دانا بودیم (۵۱) چون به پدر [خوانده‌اش] و به قومش گفت: این مجسمه‌هایی که شما مشغول پرستش آن‌ها شده‌اید چیست؟ (۵۲) گفتند: پدرانمان را پرستندگان آن‌ها یافتیم (۵۳) [ابراهیم] گفت: یقیناً شما و پدرانتان در گمراهی آشکاری هستید (۵۴) گفتند: آیا حق را برای ما آورده‌ای، یا شوخی می‌کنی؟! (۵۵) گفت: [هرگز شوخی نمی‌کنم،] بلکه پروردگارتان پروردگار آسمان‌ها و زمین است؛ آن که آن‌ها را پدید آورد، و من بر این [حقیقت پایبند، و] از گواهی دهندگانم (۵۶) [با خود گفت:] سوگند به خداوند! پس از آن که شما [به بُت‌خانه] پشت کرده و [به خانه‌ها] بروید درباره بُت‌هایتان تدبیری به کار خواهیم بست (۵۷)

نهایتاً بتها را ریز ریز کرده، مگر بُت بزرگشان را که [برای درک ناتوانی بُت‌ها] به آن روی آورند (۵۸) [چون بازگشتند با شگفتی] گفتند: چه کسی این کار را با معبودانمان انجام داده است؟ هرآینه او از ستمکاران است (۵۹) گفتند: شنیده‌ایم جوانی، که به او ابراهیم می‌گویند، از بُت‌هایمان [به عنوان موجوداتی بی‌اثر] یاد می‌کرد (۶۰) گفتند: او را در برابر چشم مردم بیاورید تا گواهی دهند [که او معبودان ما را بی‌اثر می‌دانست] (۶۱) گفتند: ای ابراهیم! آیا تو با معبودان ما چنین کردی؟ (۶۲) گفت: بلکه این بزرگشان مرتکب چنین کاری شده پس اگر [آن‌ها که ریز ریز شده‌اند] سخن می‌گویند از [خود] آنان پرسید! (۶۳) [این جا بُت پرستان] به خود آمده، [و به سرزنش یکدیگر پرداخته] و [به همدیگر] گفتند: شما خودتان اهل ستم بودید، [نه ابراهیم] (۶۴) آن‌گاه سرافکنده شده، [به ابراهیم گفتند:] مسلماً تو می‌دانی که این [بُت‌ها] قدرت سخن‌گفتن ندارند (۶۵) گفت: [با توجه به این واقعیت] آیا به جای خداوند چیزهایی را می‌پرستید که هیچ سود و زیانی به شما نمی‌رسانند؟! (۶۶) [واقعاً] اُف بر شما و بر آنچه غیر از خداوند می‌پرستید! [با این حال] آیا اندیشه نمی‌کنید؟ (۶۷) [بُت پرستان] گفتند: اگر می‌خواهید کاری انجام دهید او را در آتش بسوزانید، و [با این کار] معبودانتان را باری دهید (۶۸) [پس او را در آتش انداختند،] گفتیم: ای آتش! بر ابراهیم سرد و بی‌آسیب باش! (۶۹) [آری] بر ضد او نیرنگی [سنگین] به کار گرفتند، پس آنان را زیانکارترین مردم قرار دادیم (۷۰) و او و لوط را [از آن منطقه آلوده] نجات داد، به سوی سرزمینی که در آن برای جهانیان خیر فراوان نهاده‌ایم بردیم (۷۱) و اسحاق و یعقوب را به عنوان [عطایی] افزون به او بخشیدیم و همه را افرادی شایسته قرار دادیم (۷۲)

و آنان را پیشوایانی منصوب کردیم که به فرمان ما [مردم را] هدایت می‌کردند، و انجام‌دادن کارهای نیک و برپاداشتن نماز، و پرداخت زکات را به آنان وحی کردیم، و آنان فقط مرا عبادت می‌کردند (۷۳) و به لوط نبوت و دانش عطا کردیم، و او را از آن شهری که [مردمش] کارهای زشت انجام می‌دادند نجات دادیم، بی‌تردید آنان قومی منحرف و نافرمان بودند (۷۴) و او را در رحمت خود درآوردیم؛ زیرا او از شایستگان بود (۷۵) و نوح را [نیز نجات دادیم]، آن زمان که پیش از این [پیامبران] ندا کرد [ند]: پروردگارا! مرا از این قوم تبهکار نجات ده! پس ندایش را پاسخ دادیم، و او و خانواده‌اش را از آن اندوه بزرگ رهانیدیم (۷۶) و در برابر گروهی که آیات ما را انکار کردند یاری‌اش دادیم، همانا گروه بدی بودند، در نتیجه همه آنان را غرق کردیم (۷۷) و داود و سلیمان، زمانی که درباره آن کشتزار که گوسفندان مردم شبانه بدون چوپان در آن چریده بودند داوری می‌کردند، و ما گواه داوری آنان بودیم (۷۸) پس ما [داوری] آن را به سلیمان فهماندیم، و هریک را نبوت و دانش بخشیدیم، و کوه‌ها و پرندگان را به کار گرفتیم که همواره همراه داود تسبیح بگویند، و ما انجام‌دهنده [این کار برای دیگر پیامبران] پیش از داود [بودیم] (۷۹) و صنعت ساختن پوشش‌های دفاعی را به سود شما به او آموختیم تا شما را از [آسیب] جنگ‌هایتان محافظت کند، آیا شما سپاس‌گزار هستید؟ (۸۰) و برای سلیمان تندباد را به کار گرفتیم، که به فرمانش به سوی آن سرزمینی که در آن خیر فراوان نهادیم حرکت می‌کرد، و ما همواره به همه چیز داناییم (۸۱)

و از شیاطین کسانی بودند که برایش غواصی و کارهایی غیر از آن انجام می‌دادند، و ما نگهبان آنان بودیم (۸۲) و ایوب، هنگامی که پروردگارش را ندا داد که: مرا رنج و آسیب رسیده، و تو مهربان‌ترین مهربانانی (۸۳) پس دعایش را مستجاب کردیم، و آنچه از آسیب به او رسیده بود برداشتیم، و خانواده‌اش را و همانندشان را همراه با آنان به او عطا کردیم، [که همه و همه] رحمتی از سوی ما [بود]، و مایهٔ پند و بیدارباشی برای عبادت‌کنندگان (۸۴) و اسماعیل و ادریس و ذوالکفل همه از شکیبایان بودند (۸۵) و آنان را در رحمت خود درآوردیم؛ زیرا از شایستگان بودند (۸۶) و صاحب ماهی [یونس] هنگامی که خشمگین [از بین قومش] رفت، و گمان کرد که ما هرگز بر او تنگ نخواهیم گرفت، پس در تاریکی‌ها [ی شب، عمق آب، و شکم ماهی] ندا داد که: معبودی جز تو نیست، تو [از هر عیب و نقصی] منزهی، همانا من [به سبب کناره‌گیری از قومم] از کسانی بودم که به خود ستم روا داشتم (۸۷) پس دعایش را مستجاب کردیم، و از اندوه نجاتش دادیم، و مؤمنان را این‌گونه نجات می‌دهیم (۸۸) و زکریا هنگامی که پروردگارش را ندا داد: ای پروردگارم! مرا تنها نگذار، که تو بهترین وارثانی (۸۹) پس دعایش را مستجاب کردیم، و یحیی را به او بخشیدیم، و برای او همسر نازایش را صلاحیت بارداری دادیم، آنان همواره در کارهای خیر می‌شتافتند، و ما را از روی امید و بیم می‌خواندند، و پیوسته در برابر ما فروتن بودند (۹۰)

و آن که دامنش را پاک نگاهداشت، پس ما از روح خود در او دمیدیم، و او و پسرش را معجزه و نشانه‌ای [بزرگ از قدرت خود] برای جهانیان قرار دادیم (۹۱) بی‌تردید این دین و راه و روش شما دین و راه و روشی واحد و یگانه است، و من پروردگار شمایم، پس مرا بپرستید (۹۲) ولی آنان در دینشان گروه‌گروه شدند، [هریک تابع آیینی شدند،] نهایتاً همه آنان به سوی ما باز خواهند گشت (۹۳) پس کسی که بخشی از کارهای شایسته را انجام دهد درحالی که مؤمن باشد، نسبت به تلاشش ناسپاسی نخواهد شد، و ما بی‌تردید تلاشش را ثبت می‌کنیم (۹۴) ممکن نیست [مردم] شهری که ما [به کیفر گناهانشان] هلاکشان کردیم [به دنیا بازگردند]، قطعاً باز نخواهند گشت (۹۵) [سنت الهی به همین صورت ادامه دارد،] تا زمانی که راه بر [طایفه] یاجوج و ماجوج گشوده شود، و آنان از همه سرزمین‌های مرتفع شتابان [به هرکجا] می‌تازند (۹۶) و آن وعده حق [یعنی قیامت] نزدیک شود، پس ناگهان چشم‌های کافران خیره گردد، [و گویند:] وای بر ما! که به راستی از این [روز] در بی‌خبری [عمیقی] قرار داشتیم، بلکه ستمکار بودیم (۹۷) [به آنان گویند:] همانا شما و معبودانی که غیر از خداوند می‌پرستید هیزم دوزخید، و حتماً در آن وارد خواهید شد (۹۸) اگر این معبودان [برحق] بودند وارد دوزخ نمی‌شدند، درحالی که همگی [بُت‌ها و بُت‌پرستان] در آن جاودانه‌اند (۹۹) آنان در آن جا نعره‌های دردناکی دارند، و در آن جا [سخن امیدوارکننده‌ای] نمی‌شنوند (۱۰۰) بی‌تردید کسانی را که پیشتر از سوی ما به آنان وعده نیک داده شده از دوزخ دورشان می‌دارند (۱۰۱)

[درحالی که] کمترین صدای آن را نمی شنوند، و آنان در میان آنچه [از نعمت های بهشتی] دلشان بخواهد جاودانه اند (۱۰۲) [آن روز] آن وحشت بزرگ تر اندوهگیشان نمی کند، و فرشتگان به استقبالشان آیند و گویند: این است روز [باسعادت و پُرخیر] شما که به آن وعده داده می شدید (۱۰۳) [قیامت] روزی [است] که آسمان ها را چون درهم پیچیدن طومار، درهم می پیچیم، همان گونه که نخستین بار آفریده ها را آفریدیم [دوباره پس از هلاک شدنشان] بازشان می گردانیم، وعده [داده شده] ای است [که انجامش] بر عهده ما [است]، یقیناً [آن را] انجام می دهیم (۱۰۴) البته ما پس از تورات در زبور نوشتیم که همه زمین را بندگان شایسته ما به ارث می برند (۱۰۵) بی تردید در این [حقایق قرآنی] برای رسانیدن اهل عبادت [به اوج مطلوب] کفایت است (۱۰۶) ما تو را جز رحمت برای جهانیان نفرستادیم (۱۰۷) بگو: به من فقط وحی می شود که معبود شما خدای یگانه است، پس آیا تسلیم [او] می شوید؟ (۱۰۸) چنانچه روی برتافتند بگو: من به همه شما به طور یکسان هشدار و آگاهی دادم، و نمی دانم آیا آنچه از عذاب که شما را به آن وعده داده اند نزدیک است یا دور (۱۰۹) بی تردید او سخن آشکار و آنچه را [در باطن خود] پنهان می کنید می داند (۱۱۰) من نمی دانم، ممکن است این [تأخیر عذاب] آزمایشی برای شما و فرصتی برای برخورداری اندک [از امکانات فانی شدنی] باشد (۱۱۱) [پیامبر] گفت: پروردگارا! [میان ما و مشرکان] به حق دوری کن! و پروردگار ما بسیار مهربان است که در برابر آنچه [به ناحق] می گوید از او یاری خواسته می شود (۱۱۲)